

بادست از آنکه **که** بجایه بن سعید عساری در آن ایام عصای را
 که از رسول صلی الله علیه و سلم بوی رسیده بود از دست وی
 در بر بود و بر زانو نهاد تا آنکه بگذرد مردم با تکبیر وی زدند و زانوهای
 وی را اعلیٰ پیدا اند که پیش از آنکه سال بروی یکدیگر در آن روز
و از آنکه یکی از لغات گفته است که در طواف بودم تا بعد از
 دیدم که طواف میکرد و میگفت خداوند مرا بسیار از رحمت خود آزرده
 مرا بسیار زی کفتم سبحان الله در تخمین جای چنین کسی میگوید
 گفت از من گنا عظم صادر شده است کفتم آن که ام سبت گفت
 آن روز که عثمان بر آنجا حصر کرده بود من با یکی از اصحاب خود میگویند
 خوردیم که اگر عثمان کشته شود بر خودی برهنه وی طباخه زخم زود
 و بر اینک تند بخانه وی در آمدیم و سر وی در کنار خانوان و کجا
 بود صاحب من با خانوان وی گفت که روی و بر سر نه کن
 گفت مخصوص و حیست کفتم سوگند خوردیم که طباخه بر روی او
 وی از زخم خانوان وی گفت کسب نگاه نمیدارم ای تو صحبت می
 مر رسول صلی الله علیه و سلم و ترویج وی هر دو دست رسول صلی

الله علیه و سلم و تعداد دیگر فضایل وی کرد صاحب من شرم داشت
 و باز گفت من بیان التفات نمودم و طباخه بر روی وی ایدم
 خانوان وی گفت خدای تعالی گناه ترا بسیار زیاد و دست تو
 خشک گناه و چشم ترا کور گرداناد و الله که هنوز از استخوان
 وی بیرون نیامده بودم که دست من خشک شد و چشم من کور
 گشت و عثمان می برم که حرف ایتعالی گناه بر ایما زیاد **و از آنکه**
 که چون عثمان را رضی الله عنه شنید ساحتت بر سر روز
 بنیان بر نام مسجد رسول صلی الله علیه و سلم توجه میکرد و در وقت
 وی این ابیات میخواندند **و از آنکه** که عدی بن حاتم رضی الله
 عنه گفته است که در روز قتل عثمان رضی الله عنه شنیدم
 که گوینده میگفت ایتر من عقیان بروج و ریحان و بر ب غیر
 عقیان ایتر من عقیان بعقران و رضوان چون بازنگریستم
 بچکس را ندیدم **و از آنکه** چون و بر استنید ساحتت
 سه روز بر آنکه در ارض من مگردن ناگاه با نفعی آوار داد که او فتوح و

الله علیه و سلم

Copyright © King Fahd University